

وضعیت‌های سیاسی استراتژیک

قرارداد توتال

مهندس لطف اله میثمی

در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ قطعنامه ۵۹۸ از طرف ایران پذیرفته شد. که دنبال آن حمله نیروهای رجوی اتفاق افتاد. چندی بعد تحولات دیگری در ایران به وقوع پیوست. تجدیدنظر در قانون اساسی ایران، استعفای آیت الله منتظری از قائم مقامی، رحلت امام (ره)، رهبری آیت الله خامنه ای، تصویب قانون اساسی جدید و ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی از جمله تحولات چشمگیر بعد از پذیرش قطعنامه بود.

دنبال آن کلیتتون از اختیارات خود استفاده نمود و قرارداد کونوکو با ایران را لغو نمود. بعداً مطبوعات امریکا و غرب ادعا کردند که متاسفانه امریکا متوجه چراغ سبز ایران نشد، بازی را باخت و فرصت را از دست داد.

بعد از آن که
امریکا و کشورهای
غربی با عراق وارد
جنگ شدند،
تلویحا و تدریجا
رویکرد مثبتی به
ایران نشان دادند.
شرکتهای
امریکایی نیز به
خرید نفت ایران
اهتمام ورزیدند.

همت گماشته است. امریکاییها که به هیچ وجه حاضر نبودند فرمول: فروش نفت خام - خرید اسلحه - سرکوب ملتها به «فرمول: دلار امریکایی - اسلحه روسی - سرکوب اسرائیل» تبدیل شود، شرکتهای نفتی امریکایی را از خرید نفت ایران منع کردند.

در چنین شرایطی بود که آقای هاشمی رفسنجانی، به دنبال یک مناقصه بین المللی برای توسعه میدان نفتی سیری، قراردادی با شرکت کونوکوی امریکایی بست. این قرارداد که در شورای عالی امنیت ملی کشور به تصویب رسیده بود، آنچنان که از مطبوعات خارجی برمی آید، ماهیتاً سیاسی - امنیتی بود، تا از تهاجم احتمالی امریکا در آینده جلوگیری کند. اعلام این قرارداد، با واکنش کنگره امریکا و جامعه یهود و همچنین «کمیته مشترک روابط امریکا و اسرائیل» مواجه شد. شرکت «دویان» که مادر شرکت «کونوکو» بود، با وارد آوردن فشار به این شرکت، تلاش می کرد تا قرارداد لغو شود و به

ایران و عمدتاً صادرات نفت عربستان، جایگزین کمبود نفت عراق و کویت شد. بعد از آن که امریکا و کشورهای غربی با عراق وارد جنگ شدند، تلویحا و تدریجا رویکرد مثبتی به ایران نشان دادند. شرکتهای امریکایی نیز به خرید نفت ایران اهتمام ورزیدند. ولی از آنجایی که کارتر پس از تصرف سفارت امریکا، خرید نفت از ایران را از جانب امریکا تحریم کرده بود، شرکتهای نفتی، نفت خریداری شده از ایران را وارد امریکا نکردند، بلکه آن را در بازارهای جهانی به فروش می رساندند. این روند تا جایی ادامه پیدا کرد که در نهایت، یک چهارم نفت ایران توسط شرکتهای امریکایی خریداری می شد و در بازارهای جهانی به فروش می رسید. پس از چندی این دیدگاه در امریکا مطرح شد که ایران با دلارهای حاصل از درآمد نفت به خریداری هواپیماهای استراتژیک سوخوی روسی که می تواند بدون نیاز به سوخت گیری مجدد، اسرائیل را بمباران کند و برگردد،

در شماره قبل وعده داده بودیم که به دنبال درج مفاد قرارداد توتال، زمینه های سیاسی - استراتژیک این قرارداد را بررسی کنیم. برای نیل بدین منظور، ترجیح دادیم زمینه های قرارداد توتال را از مقطع تصرف کویت توسط رژیم بعثی عراق دنبال نماییم. هر چند بررسی تاثیر رویدادهایی مانند پیروزی انقلاب اسلامی، تصرف سفارت سابق امریکا، جنگ تحمیلی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پیامدهای مهم نفتی آن هم لازم می نماید که از توان فعلی ما خارج است.

اشغال کویت و پیامدهای نفتی آن

دو هفته پیش از پذیرش قطعنامه، امریکا با هشدار عملی خود، تنگه هرمز را بر روی صادرات نفتی ایران و واردات اسلحه و مواد غذایی بست تا ایران را تحت فشار قرار دهد. اما پس از پذیرش قطعنامه که از شدت محاصره نظامی کاسته شد، بازسازی تدریجی اسکله ها و پالایشگاهها شروع گردید، صادرات نفت خام فرونی گرفت و همچنین شعار بازسازی در صدر موضوعات قرار گرفت.

پس از آن که صدام حسین قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را پذیرفت، به وضعیت جنگی با ایران پایان داد و بخشی از اسرای جنگ تحمیلی را آزاد کرد، دیری نپایید که کویت را اشغال نمود و جاهای نفت کویت را به آتش کشید. در جنگ عراق و کویت صادرات نفت خام و فرآورده های هر دو کشور قطع گردید و قیمت نفت خام نیز کمی افزایش یافت. در این زمان بود که صادرات نفت

بهترین کار ادامه تحریمهای اقتصادی است تا از درون متلاشی شود.

ج - شرکتهای نفتی امریکایی، چراکه در عین لغو تحریم کامکان به آنها اجازه داده نمی شود که در حوزه های نفتی ایران فعالیت کنند.

از دیدگاه برخی از صاحب نظران، در کنفرانس بیرمنگام نوعی تقسیم منافع در مورد انرژی جهانی، به وقوع پیوسته و بین اروپا و امریکا توافق شد که منابع نفتی جنوب خلیج فارس یعنی عربستان، بحرین، قطر، امارات و عمان متعلق به امریکا و منابع نفتی شمال خلیج فارس یعنی عراق و ایران متعلق به اروپا باشد. چرا که اولاً اروپا برای آینده خود دچار کمبود انرژی است، ثانیاً با اینکه امریکا و فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی در جنگ خلیج فارس همگی شرکت کردند ولی اکثر قراردادها و بهره برداریها توسط امریکا انجام گرفت و در واقع از این نمند کلاهی برای اروپاییها و حتی انگلیس ساخته نشد.

مدتی قبل از لغو تحریم، شرکت «بریتیش پسترولیوم» «B.P» شرکت نفت انگلیس و همچنین شرکت «شل» هلندی که ۴۰٪ سهام آن متعلق به «B.P» است در ایران دفتر دایر نمودند و آقای «براون» مدیرعامل «BP» طی مصاحبه ای اعلام کرد که فعالیتهای خود را در ایران از سر خواهند گرفت. شنیده شده است که شرکت شل و B.P در تلاش برای سهم خواهی از قراردادهای حوزه پارس جنوبی هستند. به نظر می رسد در شرایط کنونی، امریکاییها علی رغم ناراضیاتی از عدم حضور در پروژه های نفتی ایران، ترجیح می دهند که ایران بجای قرار گرفتن در یک اتحادیه سیاسی - نظامی - اقتصادی با چین، روسیه و کره شمالی، با اروپا رابطه نزدیک داشته باشد، با توجه به اینکه اروپا قبول داده است که ایران را مهار کرده و از دستیابی این کشور به سلاحهای

«ژیسکاردستن» بسیار معنی دار بود. چرا که فرانسه دست اندرکار یک بلوک بندی جدید در منطقه، مرکب از کشورهای عراق، ایران، روسیه، سوریه و فرانسه بود. مدیرکل توتال در مصاحبه ای گفت: فرانسه باید در خاورمیانه و خلیج فارس حضور داشته باشد و قرارداد توتال بخشی از این حضور

این را پذیرفت که در روند عقب نشینی به ارزیابی مجدد قانون داماتو نشسته است. کنفرانس هشت کشور صنعتی جهان در بیرمنگام، نقطه عطفی بود که در آن از یک طرف امریکا تحریم توتال را لغو کرد و از طرف دیگر، همکاری روسیه و فرانسه را جلب نمود تا ایران به سلاحهای استراتژیک

را از دست بدهیم. در ادامه همین مطلب، آلبرایت می گوید، فرانسه نیز در ازای لغو تحریم توتال و شرکا، به امریکا قول داده است که در راستای کنترل ایران به منظور دست نیافتن به سلاحهای استراتژیک، همکاری کنند. روح قانون داماتو حفظ منافع امریکا و در ضمن موجودیت اسرائیل است. بنابراین، از دست دادن اتحاد اروپا و روسیه موجب می شود تا ایران با دستیابی به تسلیحات استراتژیک، امنیت اسرائیل را به خطر اندازد.

کنفرانس هشت کشور صنعتی جهان در بیرمنگام، نقطه عطفی بود که در آن از یک طرف امریکا تحریم توتال را لغو کرد و از طرف دیگر، همکاری روسیه و فرانسه را جلب نمود تا ایران به سلاحهای استراتژیک دسترسی پیدا نکند... به نظر می رسد امریکا در یک سیر عقب نشینی ناخشنودانه، در کنفرانس بیرمنگام جمع بندی ژیسکاردستن را پذیرفته است.

است. امریکا در کنفرانس بیرمنگام موفق شد رضایت اروپاییها را برای عبور خط لوله شرقی - غربی از ترکمنستان تا بندر چیحان ترکیه بدست آورد و اینکه کشورهای دیگر در خط لوله های ترانزیت ایران سرمایه گذاری ننمایند، مگر اینکه امریکا مجوز آن را بدهد.

تحلیل اوضاع ایران و جهان پس از کنفرانس بیرمنگام

لغو تحریم توتال از جانب امریکا موجب شد که سه جریان قوی به کلیتون فشار زیادی وارد کنند:

الف - اعضای کنگره و سنای امریکا.

ب - کمیته مشترک روابط امریکا و اسرائیل. در این رابطه «شیمون پرز» در مصاحبه ای در جامعه یهود در پاسخ به این پرسش که آیا اسرائیل قصد بمباران نیروگاه بوشهر را دارد؟ گفت: حمله به ایران ملت ایران را منسجم می کند.

دسترسی پیدا نکند. همزمان با این کنفرانس، نتایهاو به چین رفت تا چین را هم قانع کند که تکنولوژی سلاحهای موشکی دوربرد به ایران ندهد. به دنبال این تحولات «ژیسکاردستن» رییس جمهور اسبق فرانسه با هدفهای اعلام شده سیاسی و اقتصادی به ایران سفر کرد. فرانسه و ایتالیا اعلام کردند که یک وام ۱/۳ میلیارد دلاری در اختیار ایران قرار می دهند. «ژیسکاردستن» کسی بود که در کنفرانس «گوادلوپ» در سال ۵۷ نظر داده بود که ایران در آستانه یک انقلاب قرار دارد و چون مردم ایران از امریکا متنفرند، بهتر است امریکا جای خود را به اروپا و در راس آن فرانسه بدهد، تا منافع دنیای غرب حفظ گردد. بعد از ۲۰ سال به نظر می رسد امریکا در یک سیر عقب نشینی ناخشنودانه، در کنفرانس بیرمنگام جمع بندی ژیسکاردستن را پذیرفته است. آمدن

آقای هاشمی در نماز جمعه پس از لغو تحریم، آقای هاشمی در خطبه نماز جمعه، اعلام کرد که ایران در حرکت خود پیروز شد و امریکا شکست خورد و عقب نشینی کرد و ملت ما باید جشن بگیرند و چراغانی کنند. به نظر می رسد آقای خامنه ای نیز در این وجه، حرکت آقای هاشمی را دنبال می کرد. آقای هاشمی این پیروزی را دستاورد حرکتیهای خود می دانست. به این نکته باید توجه داشت که چنین تحولی با توجه به جناح بندیهای موجود در نظام جمهوری اسلامی، کار بزرگی بود. این که یکی از دولتمردان ایران، چون آقای هاشمی، به دنبال سرخوردگی از امریکا و لغو قرارداد «کونوکو» به طرف روسیه و فرانسه و مالزی برود و پای این ۳ کشور را در آبهای گرم خلیج فارس باز نماید، آن هم در برابر امریکا و نظم نوین ادعایی و قوانین تحریم، بازتاب مهمی در نزد دولتمردان امریکایی و انگلیسی داشت. چرا که امریکا و انگلیس نسبت به ورود این سه کشور به خلیج فارس حساسیت زیادی داشتند. بخصوص که ایران کشوری است که بطور سنتی در بلوک غرب، به رهبری امریکا جای می گرفت. «ژاک شیراک» نیز بارها از این قرارداد حمایت کرد و در برابر امریکا مقاومتیایی نمود. خانم «آلبرایت» در متن سخنرانی خود به این مقاومتها اعتراف کرد و

کشتار جمعی جلوگیری کند. آنتونی کورتزمن تحلیل گر آمریکایی در یک مقاله پانزده صفحه ای به این نکته اشاره می کند که تسلیحات آمریکایی ایران از رده خارج شده و سلاحهای آوانگارد و تهاجمی روسی

جایگزین آنها گشته است. بر این اساس، حتی جناح معتدل صهیونیسم که سرمایه گذاریهای وسیعی در اروپا دارد، ترجیح می دهد که اتحادیه اروپا در چارچوب مناسبات سیاسی، اقتصادی ایران را مهار کند. در چنین شرایطی است

که رقابای سیاسی خاتمی در داخل نگران از این موضوع هستند که مبدا اقبال اتحادیه اروپا به او و انعقاد قراردادهای نفتی و اقتصادی موقعیت سیاسی آقای خاتمی را مستحکم تر کند و به دنبال این نگرانی درصدد برآمده اند تا با ایجاد

تشنج و ناامنی خود را محور ثبات و امنیت در ایران نشان دهند.



نفت و قانون اساسی ایران

به نظر می رسد برخی از سیاستمداران ایرانی، قانون اساسی را مانعی بر سر راه سرمایه گذاران خارجی بخصوص در بخش نفت و گاز می بینند. به همین منظور، اصلاح قانون اساسی و گنجاندن اصلی که مالکیت مستقیم شرکتهای خارجی را بلامانع بدانند، در دستور کار آنها قرار دارد. آخرین پیشنهاد در این زمینه، طرح ششم ژوئیه (پانزدهم تیرماه ۷۸)

متعلق به مرتضی زرین گل عضو کمیسیون نفت مجلس ایران می باشد. آنها معتقدند که قراردادهای موسوم به بیع متقابل، انگیزه کافی برای سرمایه گذاران نفتی ایجاد نمی کند و اگر راه برای مالکیت مستقیم شرکتهای خارجی بر منابع نفت و گاز هموار شود، میزان سرمایه گذاریها افزایش پیدا خواهد کرد. مرتضی زرین گل در مصاحبه با روزنامه ایران نیوز

چاپ تهران، به این نکته صراحتاً اشاره نمود که مالکیت مستقیم منابع توسط شرکتهای خارجی، در مناطق ظاهراً کم اهمیت تری چون کردستان، ایجاد انگیزه خواهد کرد و اگر منع قانون اساسی از پیش پای شرکتهای خارجی برداشته شود، تکنولوژی و سرمایه آنها به مناطق کمتر توسعه یافته ایران راه پیدا خواهد کرد. اظهار نظرهای برخی از سیاستمداران ایرانی که بعضاً

در مجلس هم حضور دارند، نشان می هد که تغییر قانون اساسی را صرفاً به منظور پشتیبانی از بخش نفت و گاز پیشنهاد نمی کنند. آنها بر این عقیده اند که سایر حوزه ها چون بخش بانکی، ماطق آزاد و... به این تغییر و تحول در قانون اساسی نیاز دارد. ^۱مید ژوئیه ۱۹۹۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

برخی لغو تعطیلی ۲۹ اسفند سالروز ملی شدن صنعت نفت توسط مجلس را حرکتی نمادین در دادن پیام به شرکتهای نفتی می دانند، تا بدینگونه موانع روانی تغییر و تحول قانون اساسی از سر راه برداشته شود. به نظر می رسد در شرایطی که برخی جناحها دولت خاتمی را در گیر ماجراهای زنجیره ای می کنند، خود مشغول تصمیم گیریهای بزرگی در عرصه استراتژیک می باشند.